یعنی گواهی دادن بتوحید و رسالت محمد رسول الله متفق علیه عن ابن عباس و اطاعت
رسول الله اطاعت خدا گشته قال الله تعالی مَنْ یُطِعِ الرَّسُوْلَ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ یعنی هر که
فرمان برداری کند رسول را او فرمان برداری خدا کرد و محبت رسول الله صلعم در رنگ محبت
خدا بلکه عین محبت او تعالی شده رسول فرموده صلعم لَا یُؤْمِنُ اَحَدُکُمْ حَتّٰی اَکُوْنَ اَحَبَّ اِلَیْهِ
مِنْ وَّالِدِهٖ وَوَلَدِهٖ وَالنَّاسِ اَجْمَعِیْنَ متفق علیه عن انس یعنی ایمان یکی از شما
هیچ نباشد تا دوست تر باشم نزد او از والد و فرزند او و از تمام آدمیان پس ادای حق
رسول الله صلعم از طوق بشر خارج است اما مطلوب بقدر طاقت است و آن امتثال اوامر و
نواهی اوست و کثرت صلوة و سلام بر وی و محبت به آل و اصحاب او **فصل** پس بدانکه
چون شناختن ذات و صفات و مرضیات و مکروهات بتوسط رسول صلعم رسیده خصوصًا
بسعی خلفاء راشدین دین قوت و رونق گرفته و اقوال و افعال او علیه السلام که بعضی صحابه
را معلوم بود و اکثر بر ا معلوم نبود از سعی آنها شهرت گرفته مسایل خلافیه مجمع علیه گشته که
در هر مسئله صحابه را جمع کرده تحقیق کرده ترجیح میکردند پس ادای حق صحابه و اهلبیت عین
ادای حق رسول است و محبت و اطاعت شان مثل محبت و اطاعت رسول گشته فرمود
رسول صلعم مَنْ اَحَبَّهُمْ فَبِحُبِّیْ اَحَبَّهُمْ وَمَنْ اَبْغَضَهُمْ فَبِبُغْضِیْ اَبْغَضَهُمْ وَمَنْ اٰذَاهُمْ فَقَدْ
اٰذَانِیْ وَمَنْ اٰذَانِیْ فَقَدْ اٰذَی اللّٰهَ رواه الترمذی عن عبد الله بن مغفل و فرمود
اِقْتَدُوْا بِاللَّذَیْنِ مِنْ بَعْدِیْ اَبِیْ بَکْرٍ وَّعُمَرَ رواه مسلم و الترمذی عن حذیفه یعنی هر که دوست
دارد اصحاب را پس بدوستی من آنها را دوست داشته و هر که آنها را دشمن داشته
پس بدشمنی من آنها را دشمن داشته و هر که آنها را ایذا کرده پس بدرستی مرا ایذا کرده
و هر که مرا ایذا کرده پس بدرستی که خدا را ایذا کرده و فرمود پیروی کنید هر دو خلیفه که
پس باشند ابوبکر و عمر و فرموده عَلَیْکُمْ بِسُنَّتِیْ وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِیْنَ مِنْ بَعْدِیْ
یعنی لازم گیرید سنت من و سنت خلفاء الراشدین را که بعد من باشند و فرمود اَنَا مَدِیْنَةُ
الْعِلْمِ وَعَلِیٌّ بَابُهَا رواه الطبرانی و الحاکم عن ابن عباس من شهر علمم علی دروازه آنست
فرموده اِنِّیْ تَارِكٌ فِیْکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللّٰهِ وَعِتْرَتِیْ رواه احمد و الطبرانی عن زید بن ثابت
یعنی میگذارم بعد خود نزد شما دو وسیله محکم یکی قرآن دوم عترت خود و فرمود صلی
الله علیه وسلم خُذُوْا نِصْفَ الْعِلْمِ مِنْ هٰذِهِ الْحُمَیْرَاءِ یعنی بگیرید نصف علم از این حمیرا یعنی

شد عائشه رضی الله تعالی عنها و رسول صلی الله علیه و سلم اصحابی كالنجوم بايهم اقتديتم اهتديتم
رواه رزین عن عمر یعنی اصحاب من مانند ستارگان اند هر که از انها پیروی کنید
هدایت رسید این چنین احادیث بسیار اند **فصل** همچنین ادای حق علما محدثین
فقهای مجتهدین و مصنفان کتب دین و سلسله استادان علوم ظاهر و پیران استادان علوم باطن
در رنگ حق صحابه و اهل بیت داخل ادای حق خدا و رسول است که انها وارثان پیغمبر و حافظان
دین اند قال رسول صلی الله علیه و سلم إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا
دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ رواه اصحاب السنن عن کثیر بن قیس یعنی بدرستیکه
علما وارثان انبیا اند و بدرستیکه انبیا میراث نگذاشته اند دینار و نه درهم را و جز این نیست
که میراث گذاشته اند علم را و قال علیه السلام فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِي عَلَى أَدْنَاكُمْ ثُمَّ
تَلَا إِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ رواه الترمذی عن ابی امامة والدارمی عن مکحول
والحسن مرسلا یعنی فرمود آنحضرت فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت منست بر ادنی مسلمان
پس تر خواند آیه یعنی نمی ترسند از خدا از جمله بندگان او مگر عالمان و فرموده رسول صلی الله علیه
و سلم إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا یعنی حق تعالی مرا نفرستاده است مگر برای تعلیم کردن و رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم اللّٰهُ أَجْوَدُ جُودًا وَأَنَا أَجْوَدُ بَنِي آدَمَ وَأَجْوَدُهُمْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَهُ
يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَاحِدَةً رواه البیهقی عن انس یعنی الله تعالی جوادترست و
من جوادترین آدمیانم و جوادتر آدمیان بعد من مردی باشد که علم آموخت و در مردم
پراکنده کرد روز قیامت بیاید جماعتی تنها ظاهر مراد آنست که هرچند امتی است نبی نیست
کرامت با وی باشد اما جماعت تلامذه مثل امت باشد و فرمود رسول صلی الله علیه و سلم
يُوزَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ وَدَمُ الشُّهَدَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دَمِ
الشُّهَدَاءِ رواه الذهبی عن عمران بن حصین یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت
سیاهی علما و خون شهیدان پس سیاهی علما غالب شود بر خون شهیدان اطاعت علما
و اولیا اطاعت خدا و رسول است صلی الله علیه و سلم و محبت شان قال الله تعالی يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ یعنی فرمان برداری
کنید خدا را و رسول خدا را و کسانی را که امر خدا به بندگان رسانند یعنی رسول الله صلی الله
علیه و سلم و اصحاب و اهل بیت او علیهم السلام و علمای ظاهر و باطن بندگان خاص حق

شمار و اگر حقوق العباد هست اما حق ست حق الله تعالی اگر اینها نمی بودند کسی خدا را نمی شناخت
و حق شناسی ادا نمیکرد و رسول فرمود لولا هذا ما الله ما اهتدینا ولا تصدقنا ولا صلینا
یعنی اگر نمی بود هدایت خدا با نزال کتب و ارسال رسل کسی هدایت نمی یافت و کسی ادای زکوة و نماز
نمی کرد و اینها مستغرق اند در ذکر خدا از دیدن اینها خدا یاد می آید و دوستی و دشمنی با خدا هست در حدیث
قدسی آمده من عادی لی ولیا فقد آذنته بالحرب رواه البخاری عن ابی هریرة یعنی هر که دشمنی
با ولی من پس خبر دار میکنم او را با جنگ کردن با من و نیز در حدیث قدسی آمده ان اولیائی من
عبادی الذین یذکرون بذکری واذکر بذکرهم رواه البغوی یعنی اولیای من
از بندگان من کسانی هستند که یاد کرده شوند بیاد کردن من و من یاد کرده شوم از یاد کردن اینها
همچنین در حدیث نبوی آمده صلی الله علیه وسلم قسم دوم قسمی دیگر از حقوق العباد حق کسانی
ست که بظاهر یعنی از حقوق الله آمده اند در ظاهر واسطه افتاده اند در ایجاد و پرورش و روزی
رسانیدن ما اند چنانچه مادر و پدر و اجداد و جدات و کسانیکه در ظاهر حق تعالی بتوسط شان
روزی رسانید یا از اینها پرورش کنانید یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا منفعتی از
منافع بتوسط شان رسانید شکر اینها هم مثل مادر و پدر واجب رسول فرموده من لم یشکر الناس لم
یشکر الله رواه مسلم والترمذی عن ابی سعید الخدری یعنی هر کس که شکر آدمیان نکند شکر خدا نکرده فصل
دوم از ان حقوق والدین ست قال الله تعالی ووصینا الانسان بوالدیه حملته امه وهنا علی وهن
وفصاله فی عامین ان اشکر لی ولوالدیک یعنی امر کردیم انسان را آنکه نکوی کند با مادر و
نکوی کردنی مادر در شکم برداشت او را بمشقت بر مشقت و دو سال او را شیر داده و شکر کن
برای من و برای مادر و پدر خود این حکم در قرآن چند جا آمده رسول در کبائر ذکر کرده اشراک و عقوق
والدین را متفق علیه عن عبدالله بن عمر عقوق عبارت ست از ایذا کردن و نافرمانی کردن معنی
عق بالتشدید شق و قطع ست ضد بر و صله و احمد از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول بده چیز وصیت
کرد و از ان جمله گفت لا تشرک بالله شیئا وان قتلت او حرقت ولا تعقن والدیک وان امراک
ان تخرج من اهلک ومالک الحدیث یعنی شریک مکن بخدا چیزی را اگر چه کشته و سوخته شوی و نافرمانی
والدین مکن اگر چه امر کنند ترا بآنکه بیرون شوی از اهل و مال خود و در صحیحین از ابی هریره
روایت کرده که مردی از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید که زیاده حق برای نیکو صحبتی کیست
فرمود مادر تو گفت پستر کیست فرمود مادر تو گفت پستر کیست گفت مادر تو گفت پستر کیست گفت پدر

باشند که قدرت بر کسب داشته باشند بر فرزند عاقل بالغ که قدرت بر کسب داشته باشد حق
است اگرچه کافر باشند از اهل ذمه در صحیحین از اسماء بنت ابی بکر روایت کرده که از رسول کریم پرسیدم
مادر من آمده است و کافره است صله با وی کنم فرمود آری بکن و امتثال امر در رضاجوئی آنها در غیر
معصیت و ترک فرائض ترمذی از عبدالله بن عمر روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه وسلم رضای
خدا در رضامندی پدر است و ناخوشی خدا در ناخوشی پدر است حق تعالی فرموده وَإِنْ جَاهَدَاكَ
عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا
اگر جنگ کنند پدر و مادر تو به اینکه شریک گوئی با من چیزی را که تو علم نداری بآن یعنی علم بتوحید الوهیت
در این امر فرمان برداری آنها مکن و در دنیا صحبت بخوبی با آنها کن رسول صلعم فرمود لَا طَاعَةَ
فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ رواه احمد والحاکم عن عمران والحکم بن عمرو الغفاری و فی الصحیحین لَا طَاعَةَ
لِأَحَدٍ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ یعنی جایز نیست فرمان برداری هیچکس از
در نافرمانی خدا طاعت جایز نیست مگر آنچه در شرع جایز است **فصل** از جمله حقوق
پدر دوستی کردن است با دوستان پدر و نکوئی کردن با دوستان پدر در غیبت او و صله عبارت
از آنچه موجب وصلت و اخلاص باشد از رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق
در حق اقربا و از جمله حقوق پدران و مادران است صله و نکوئی با اولاد آنها یعنی با برادران و خواهران
و خالات پدر و مادر و اولاد شان و همچنین الاقرب فالاقرب یعنی هر قدر که در نسب قریب تر باشد
حق او زیاده تر باشد حق تعالی فرموده چند جا وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ یعنی بده صاحب قرابت
حق او و لهذا هر کس که غنی باشد واجب است بر وی نفقه ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت
نداشته باشد اگر مسلم باشد قال الله تعالی وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ یعنی بر وارث نفقه واجب
مثل نفقه اولاد و هر کس که ذی رحم محرم خود را مالک شود بمجرد مالک شدن آزاد گردد اگر
باشد قال علیه السلام مَنْ مَلَكَ ذَا رَحِمٍ مُحَرَّمٍ عَتَقَ عَلَيْهِ رواه احمد وابوداود والحاکم عن
هر که مالک شود ذی رحم محرم خود را بر وی آزاد شود و جمع کردن دو زن ذی رحم محرم حرام است که
قطع رحم میشود آن اقربا هر کس که محرم نیست گو نفقه او واجب نیست لیکن صله او واجب
حرام است ناموافقت آنها جایز نیست عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه
خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحِمُ فَأَخَذَتْ بِحَقْوِ الرَّحْمَٰنِ فَقَالَ
قَالَتْ هَٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ الْقَطِيعَةِ قَالَ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ أَصِلَ مَنْ

تحتك فاقطع من قطعك قالت بلى يا رب قال فذلك متفق عليه يعني خدا تعالى پيدا كرد
خلق را و هرگاه كه حق تعالى از پيدا كردن خلق فارغ شد رحم برخاست حقو رحمان را گرفت حقو
ازار را گويند و اين مجاز است و مراد آنست كه از جناب ايزد پناه جست عرب گويند عذت بحقو فلان
يعني پناه جستم بسوي فلان حق تعالى رحم را فرمود كه چه ميخواهي گفت كه استاده ام پناه جويان از قطع فرمود
كه آيا راضي نميشوي كه من وصل كنم با كسي كه وصل كند ترا و قطع كنم از كسي كه قطع كند ترا گفت كه راضي
شدم اي رب فرمود همچنين كنم و در حديث قدسي آمده انا الله وانا الرحمن خلقت الرحم وشققت
لها من اسمي فمن وصلها وصلته ومن قطعها بتته رواه ابوداود والترمذي واحمد و
عن عبد الرحمن بن عوف والحاكم عن ابي هريرة يعني منم الله و منم رحمن رحم را پيدا كردم و از نام
خود نام او بر آوردم پس هر كه او را وصل كند من با وي وصل كنم و هر كه او را قطع كند من از وي قطع كنم
بخاري از ابي هريره از رسول صلعم روايت كرده كه فرمود الرحم شجنة من الرحمن فقال الله من وصلك
وصلته ومن قطعك قطعته يعني رحم الصاقي را دارد بي كيفيت با خدا حق تعالى فرمود
يعني هر كه ترا وصل كند من با وي وصل كنم و هر كه ترا قطع كند من از وي قطع كنم و از عائشه رضي الله عنها
در صحيحين مثل آنست و در صحيحين از جبير بن مطعم مرويست كه فرمود رسول صلعم قاطع رحم در جنت
نشود و بيهقي از عبد الله بن عوف روايت كرده كه آنحضرت فرمود صلعم كه رحمت نازل نميشود بر قوميكه در آنها
كسي قاطع رحم باشد و در وجوب صله رحم و حرمت قطع احاديث بسيار وارد شده لهذا بر هر كس لازم
به نسب خود خبردار باشد تا صله رحم كند و قطع از وي بظهور نيايد فايده رسول فرمود صلعم حق برادر
بزرگ بر برادر خورد مثل حق پدر است بر پسر اين حديث در بيهقي از سعيد بن عاص روايت كرده حق
سبحانه بر كسيكه فساد كند در زمين و بر قاطع رحم لعنت كرده و گفته فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا
في الارض وتقطعوا ارحامكم اولئك الذين لعنهم الله فاصمهم واعمى ابصارهم يعني
قريب است كه اگر روگرداني كنيد از حكم خدا آنكه فساد كنيد در زمين و قطع كنيد ارحام خود را آنها هستند
كه لعنت كرده بر آنها حق تعالى پس كر نمود آنها را كه حق را نمي شنوند و كور كرد چشمهاي آنها را كه حق را
نمي بينند امام احمد حنبل رحمة الله تعالى عليه لعنت بر يزيد جائز گفته و با وجود قبائح بيشمار يزيد بنا بر قطع رحم بر
جواز لعنت او استدلال كرده **سوال** از دو قريب اگر يكي را دوم بد سلوكي كند و قطع رحم نمايد دوم را
با وي قطع جائز باشد يا نه **جواب** دوم را لازم كه صله كند و قطع نكند و وبال قطع رحم بر قاطع رحم
رسيده بركات صله بر واصل رسول فرمود صلعم ليس الواصل بالمكافي ولكن الواصل الذي

اِذَا انْقَطَعَتْ رَحِمُهٗ وَصَلَهَا رواه البخاری عن ابن عمر یعنی واصل آن نیست که در مقابله نکوئی
نکوئی کند واصل آنست که اگر قطع کرده شود رحم از و وصل کند یعنی عوض بدی نیکی کند بیت بدی را
بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اسا مسلم از ابی هریره روایت کرده که مردی
از رسول صلعم گفت که یا رسول الله مرا اقربا هستند من صله آنها میکنم و آنها از من قطع میکنند
و من به آنها نکوئی میکنم و آنها بدی میکنند و من از آنها حلم میکنم و آنها بر من جهل میکنند آنحضرت
فرمود صلعم لَئِنْ كُنْتَ كَمَا قُلْتَ فَكَاَنَّمَا تُسِفُّهُمُ الْمَلَّ وَلَا يَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللّٰهِ ظَهِيْرٌ عَلَيْهِمْ
مَا دُمْتَ عَلٰى ذٰلِكَ یعنی اگر همچنین ست که تو میگوئی پس گویا تو میخورانی آنها را خاکستر گرم یعنی آتش
میخورانی که هلاکت آنهاست و همیشه ترا از خدا مددگاری خواهد بود بر آنها مادامیکه برین خصلت
باشی فصل باید صله رحم سوای ثواب در آخرت در دنیا فواید بسیار دارد و رسول خدا صلعم فرمود
مَنْ اَحَبَّ اَنْ يُّبْسَطَ لَهٗ فِیْ رِزْقِهٖ وَيُنْسَاَ لَهٗ فِیْ اَثَرِهٖ فَلْيَصِلْ رَحِمَهٗ متفق علیه عن انس یعنی هرکه خواهد که فراخ
شود رزق او و باقی ماند ذکر او از ماندن اولاد و مانند آن از کنندگان خیر پس باید که صله رحم
کند و رسول خدا صلعم فرمود تَعَلَّمُوْا مِنْ اَنْسَابِكُمْ مَا تَصِلُوْنَ بِهٖ اَرْحَامَكُمْ فَاِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ
مَحَبَّةٌ فِی الْاَهْلِ مَثْرَاةٌ فِی الْمَالِ مَنْسَاَةٌ فِی الْاَثَرِ رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی قرابتهای خود
را دانسته باشید تا صله رحم کنید که صله رحم موجب محبت ست در اهل و موجب زیادت مال
و بقای ذکر و قاطع رحم را سوای آنکه عذاب باشد در آخرت وبال در دنیا هم لاحق شود رسول خدا
صلعم مَا مِنْ ذَنْبٍ اَحْرٰى اَنْ يُّعَجِّلَ اللّٰهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوْبَةَ فِی الدُّنْيَا مَعَ مَا يَدَّخِرُ لَهٗ فِی الْاٰخِرَةِ
مِنَ الْبَغْیِ وَقَطِيْعَةِ الرَّحِمِ رواه الترمذی و ابو داود عن ابی بکرة یعنی گناهی
لائق تر نیست که عقوبت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه ذخیره داشته باشد عذاب برای
او در آخرت از ظلم کردن با بادشاه عادل و قطع کردن رحم و نیز بیهقی از ابی بکره روایت کرده
فرمود كُلُّ الذُّنُوْبِ يَغْفِرُ اللّٰهُ مِنْهَا مَا شَاءَ اِلَّا عُقُوْقَ الْوَالِدَيْنِ فَاِنَّهٗ يُعَجِّلُ لِصَاحِبِهٖ
فِی الْحَيٰوةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ یعنی هر گناه که باشد می بخشد خدا تعالی هر آنچه خواهد مگر عقوق والدین
یعنی بی حرمتی که خدا میرساند او را عذاب در زندگی پیش از مرگ فصل و چون نظر بر حقوق
والدین و صله برادران و خواهران و دیگر اقربا واجب شد نظر بر حقوق رسول خدا و خلفا و پیران و استادان صله و نکوئی با خدا
و فرزندان پیران و استادان هم ضرورست قال الله تعالی قُلْ لَّا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ
فِی الْقُرْبٰی یعنی بگو ای محمد نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدوری لیکن دوستی داشتن قرابتهای من

فَاِنَّ لَهُ بِذٰلِكَ اَجْرًا وَاِنْ قَالَ بِغَيْرِهٖ فَاِنَّ مِنْهُ عَلَيْهِ وِزْرًا محذوف است متفق علیه عن ابی هریره
یعنی هر که فرمان برداری من کرد فرمان برداری خدا کرد و هر که نا فرمانی من کرد نا فرمانی خدا کرد و هر که فرمان برداری
امیر کرد فرمان برداری من کرد و هر که نا فرمانی امیر کرد نا فرمانی من کرد پادشاه هست که سپر مردم با کفار
می کند و بوی پناه میجویند پس اگر امر بتقوی و عدل کرد پس او را ثواب باشد و اگر چیزی دیگر گفت پس
بر وی باشد یعنی گناه و فرمود آنسرور علیه السلام اِسْمَعُوْا وَاَطِيْعُوْا وَاِنِ اسْتُعْمِلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ
كَاَنَّ رَاْسَهٗ زَبِيْبَةٌ رواه البخاری عن انس یعنی بشنوید و فرمان برداری کنید امیر را اگرچه حاکم کرده شود
بر شما غلام حبشی که سر او مثل دانه انگور سیاه و خرد باشد فرمود اَلسَّمْعُ وَالطَّاعَةُ عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ فِيْمَا اَحَبَّ وَ
كَرِهَ مَا لَمْ يُؤْمَرْ بِمَعْصِيَةٍ فَاِذَا اُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ متفق علیه عن ابن عمر و عن علی نحوه یعنی حکم امیر شنیدن
و طاعت کردن واجب است بر مرد مسلمان در آنچه خوش آید او را یا ناخوش تا وقتیکه امر کرده شود بمعصیت
پس هر وقتیکه امر کرده شود بگناه پس جائز نیست سمع و طاعت و فرمود مَنْ رَاٰى مِنْ اَمِيْرِهٖ شَيْئًا يَكْرَهُهٗ فَلْيَصْبِرْ
فَاِنَّهٗ لَيْسَ اَحَدٌ يُفَارِقُ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَيَمُوْتُ اِلَّا مَاتَ مِيْتَةً جَاهِلِيَّةً متفق علیه عن ابن عباس یعنی
هر که بیند از حاکم خود چیزیکه مکروه داند آنرا پس باید که صبر کند بدرستیکه نیست کسی که بغی کند و جدا شود
از جماعت مسلمانان بقدر یک وجب پس بمیرد در آنحال مگر آنکه مرده باشد مانند مردن جاهلیت
و فرمود اِنَّكُمْ سَتَرَوْنَ بَعْدِيْ اَثَرَةً وَاُمُوْرًا تُنْكِرُوْنَهَا قَالُوْا فَمَا تَاْمُرُنَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اَدُّوْا
اِلَيْهِمْ حَقَّهُمْ وَاسْاَلُوا اللّٰهَ حَقَّكُمْ متفق علیه عن ابن مسعود یعنی قریب است که خواهید دید پادشاهان
بعضی نفس پروری و چیزها که شما آنها را ناخوش دارید یاران گفتند پس چه میفرمائی ما را حضرت فرمود که
حق آنها ادا کنید و حق خود از خدا خواهید یاران گفتند یا رسول الله اگر باشند امرا که حق خود را طلب کنند
و حق ما نه دهند فرمود اِسْمَعُوْا وَاَطِيْعُوْا فَاِنَّمَا عَلَيْهِمْ مَا حُمِّلُوْا وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ رواه مسلم عن
وائل بن حجر یعنی بشنوید حکم آنها و فرمان برداری کنید پس بدرستیکه واجب است بر آنها آنچه حق تعالی
بر سر آنها واجب کرده است از عدالت و رعیت پروری و واجب است بر شما آنچه واجب کرده است خدا تعالی یعنی
اطاعت و فرمان برداری فصل اگر قاضی حکم کند موافق شرع واجب است که بطیب خاطر آنرا قبول کرده شود
که حق تعالی میفرماید فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُوْنَ حَتّٰى يُحَكِّمُوْكَ فِيْمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوْا فِيْ اَنْفُسِهِمْ
حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا یعنی بخدا ایمان نخواهند آورد تا آنکه حاکم گردانند ترا در آنچه منازعت
شود و بستر نیابند در دلهای خود تنگی و ناخوشی از آنچه حکم کنی و قبول کنند قبول کردنی در هدایه گفت که اگر
قاضی گوید حکم کردم برین که این را سنگسار کن یا دست قطع کن یا دره بزن جائز است بجا آوردن

آن دو امام بر منصور گفت که اگر قاضی عالم و عادل باشد بجا آرد و اگر جاهل و عادل باشد بجای شخصی
اگرچه مشغول است بجا آرد و الا نکند و اگر فاسق است بجا نیارد مگر وقتیکه سبب حکم او فتنه
در حق شوهر بر زن احادیث بسیار اند رسول فرمود لو كنت آمر احدا ان يسجد لاحد لأمرت
المرأة ان تسجد لزوجها رواه الترمذي وابوداود ونحوه از قيس بن سعد و احمد از معاذ بن جبل
یعنی اگر امر میکردم کسی را که سجده کند کسی را هر آئینه امر میکردم زن را که سجده کند شوهر خود را و ترمذی از
ام سلمه روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که مرد و شوهرش از و راضی است داخل بهشت شود
و ابونعیم در حلیه از انس روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که نماز پنجگانه خواند و روزه رمضان
گذارد و عفت ورزد و فرمان برداری شوهر کند داخل شود به بهشت از هر در که خواهد و عائشه روایت کرده
آنحضرت فرمود اگر برای سجده کسی حکم میکردم زن را حکم میکردم که سجده کند شوهر خود را و اگر شوهر زن را حکم کند
که از کوه سیاه بکوه سفید و از کوه سپید بکوه سیاه سنگها برد باید که همچنان کند ترمذی و ابن ماجه از معاذ
روایت کرده که رسول فرمود اگر زنی شوهر خود را آزار میدهد حوران بهشت میگویند لعنت کند
بر تو خدا نیست این شخص نزد تو مگر مهمان قریب است که از تو جدا شود و بسوی ما فصل در حق
سید بر عبد فرمود رسول ان العبد اذا نصح سيده واحسن عبادة الله فله اجره مرتين
متفق عليه عن عبدالله بن عمر یعنی بدرستیکه غلام اگر خیرخواهی مالک خود کند و نیک کند عبادت خدا
دو چندان ثواب یابد فرمود آنحضرت نعما للمملوك ان يتوفاه الله يحسن عبادة ربه و
طاعة سيده نعما له متفق عليه عن ابي هريرة یعنی خوشا حال بنده مملوک که بمیرد و نیک کند عبادت
پروردگار خود و فرمان برداری مالک خود خوشا حال او و فرمود آنحضرت علیه السلام اذا ابق العبد
لم تقبل له صلوة وفي رواية ايما عبد ابق من مواليه فقد كفر حتى يرجع اليهم
رواه مسلم عن جرير یعنی اگر غلام بگریزد نماز او قبول نشود و در روایتی هر غلامیکه بگریزد از مالکان خود
بتحقیق کافر شود تا وقتیکه باز آید نزد ایشان یعنی کافر نعمت باشد و بیهقی از جابر روایت کرده که رسول
فرمود سه کس را نماز قبول نشود غلامیکه بگریزد تا که باز نزد مالک خود آید و زنیکه شوهرش
ناخوش باشد و مست تا که بهوش آید و فرمود صلعم ليس منا من خبب امرأة على زوجها او عبدا
على سيده رواه ابوداود عن ابي هريرة رضي الله عنه یعنی نیست از ما کسی که فساد کند
و فاسد کند زنی را بر شوهرش و غلامی را بر مالک او قسم چهارم قسمی دیگر از حقوق عباد حق
رعیت است بر سلطان و امیر و قاضی و حق زوجه بر شوهر و حق پرورش و تربیت فرزندان صغیر بر پدر

وما در حق مملوک بر مالک که اینهم دو دالیع حق اند حق سبحانه تعالی بر ذات بی نیاز خود برای مملوکان و بزرگان خود رحمت واجب کرده پس کسی را که در دنیا راعی ساخته و مالک گردانیده بر وی هم واجب ساخته قال رسول الله علیه الصلوة والسلام اَلَا کُلُّکُمْ رَاعٍ وَکُلُّکُمْ مَسْئُوْلٌ عَنْ رَعِیَّتِهٖ فَالْاِمَامُ الَّذِیْ عَلَی النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُوْلٌ عَنْ رَعِیَّتِهٖ وَالرَّجُلُ عَلٰی اَهْلِ بَیْتِهٖ وَهُوَ مَسْئُوْلٌ عَنْ رَعِیَّتِهٖ وَالْمَرْاَةُ رَاعِیَةٌ عَلٰی بَیْتِ زَوْجِهَا وَوَلَدِهٖ وَهِیَ مَسْئُوْلَةٌ عَنْ رَعِیَّتِهَا وَعَبْدُ الرَّجُلِ رَاعٍ عَلٰی مَالِ سَیِّدِهٖ وَهُوَ مَسْئُوْلٌ عَنْهُ اَلَا فَکُلُّکُمْ رَاعٍ وَکُلُّکُمْ مَسْئُوْلٌ عَنْ رَعِیَّتِهٖ متفق علیه عن عبد الله ابن عمر یعنی آگاه باشید که هر یکی از شما راعیست و هر یکی از شما سوال کرده خواهد شد از رعیت او که بحال آنها پرداخته یا آنها را ضایع و مهمل گذاشته پادشاه بر تمام آدمیان راعیست سوال کرده خواهد شد از رعیت او و مرد در اهل بیت راعیست پادشاه از آنها سوال کرده خواهد شد وزن بر خانه شوهر و اولاد او راعیه است از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی راعیست ازان سوال کرده خواهد شد

فصل در حق رعیت بر پادشاه و امیر رسول فرمود مَا مِنْ وَالٍ یَلِیْ رَعِیَّةً مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ فَیَمُوْتُ وَهُوَ غَاشٌّ لَهُمْ اِلَّا حَرَّمَ اللهُ عَلَیْهِ الْجَنَّةَ متفق علیه عن معقل بن یسار یعنی کسی نیست کسی والی که بر رعیتی از مسلمانان والی باشد پس بمیرد در حالیکه خیرخواهی رعیت نکرده باشد مگر آنکه حق تعالی بر وی بهشت را حرام کرده و فرمود اَللّٰهُمَّ مَنْ وَلِیَ مِنْ اَمْرِ اُمَّتِیْ شَیْئًا فَشَقَّ عَلَیْهِمْ فَاشْقُقْ عَلَیْهِ وَمَنْ وَلِیَ مِنْ اَمْرِ اُمَّتِیْ شَیْئًا فَرَفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ رواه مسلم عن عائشه یعنی ای بار خدایا هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس سختی کرد بر آنها پس سختی کن بر وی و هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس با آنها نرمی و مهربانی کند تو بر وی نرمی و مهربانی کن و مسلم از عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول فرمود عادلان بر منبرها از نور باشند نزد حق تعالی آنها که عدل کنند در حکم و اهل آنها و در آنچه والی کرده شده اند و دارمی از ابوهریره از آنحضرت عم آورده اند که فرمود نباشد هر کرده ده کس مگر آنکه آورده شود روز قیامت بسته تا که بکشاید او را عدل یا هلاک کند او را ظلم و فرمود اِنَّ اَحَبَّ النَّاسِ اِلَی اللهِ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَاَقْرَبَهُمْ مِنْهُ مَجْلِسًا اِمَامٌ عَادِلٌ وَاِنَّ اَبْغَضَ النَّاسِ اِلَی اللهِ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَاَشَدَّهُمْ عَذَابًا اِمَامٌ جَائِرٌ رواه الترمذی عن ابی سعید یعنی بدرستیکه محبوب ترین آدمیان بسوی خدا روز قیامت و نزدیک ترین مردمان بسوی خدا از روی مرتبه پادشاه عادل باشد و بدرستیکه ناخوشترین آدمیان بسوی خدا روز قیامت و سخت تر در عذاب پادشاه ظالم باشد و فرمود اِنَّ السُّلْطَانَ

ظل الله في الأرض يأوي إليه كل مظلوم من عباده فإذا عدل كان له الأجر وعلى
الرعية الشكر وإذا جار كان عليه الإصر وعلى الرعية الصبر رواه البيهقي عن ابن عمر
یعنی پادشاه سایه خداست در زمین که می آید بسوی او هر مظلوم از بندگان حق پس اگر عدل کرد او را ثواب
باشد و بر رعیت شکر واجب شود و اگر ظلم کرد بر وی عذاب بر رعیت صبر واجب شود فصل بر قاضی حکم
بحق فرض است و حکم خلاف شرع قریب کفر و ظلم و فسق است کما قال تعالیٰ ومن لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم
الكافرون فأولئك هم الظالمون فأولئك هم الفاسقون رسول فرمود القضاة ثلاثة واحد في الجنة
واثنان في النار فأما الذي في الجنة فرجل عرف الحق فقضى به ورجل عرف الحق فجار
في الحكم فهو في النار ورجل قضى للناس على جهل فهو في النار رواه ابو داود
وابن ماجه عن بريدة یعنی قاضیان سه قسم اند یکی آنکه عالم باشد بحق و حکم بحق کند این در بهشت باشد
دوم آنکه عالم باشد و حکم نکند بحق سوم آنکه جاهل باشد این هر دو در دوزخ باشند ابو داود
از ابی هریره روایت کرده هر که قاضی شود پس عدل او بر جور غالب باشد او را بهشت است و هر که
غالب شود جور او بر عدل او در دوزخ باشد فصل در حق زن بر شوهر حق تعالیٰ میفرماید ولهن مثل
الذي عليهن بالمعروف یعنی زنان را بر ذمه مردان حقیست چنانچه مردان را بر زنان حق است رسول کریم
میفرماید إن من أكمل المؤمنين إيمانا أحسنهم خلقا وألطفهم بأهله رواه الترمذي عن عائشة وروى
الترمذي عن ابي هريرة نحوه یعنی از کاملترین مومنان در ایمان کسی باشد که خوبتر است از روی خلق
و مهربان تر است بر اهل خود و میفرمود خيركم خيركم لأهله وأنا خيركم لأهلي رواه الترمذي
عن عائشة یعنی بهترین شما کسیست که بهتر است بر اهل خود و من بهترم برای اهل خود و معاویه
قشیری از رسول کریم پرسید که حق زن بر شوهر چیست فرمود که بخورانی چون خود بخوری و بپوشانی
چون خود بپوشی و مزن بر روی او و بد مگو او را و او را تنها مگذار مگر در خانه باشی رواه احمد
وابو داود وابن ماجه فرمود آنحضرت روزی امشب زنان بسیار بخانه من آمدند و شکایت شوهران خود
میکردند آن مردان خوب کس نیستند رواه ابو داود وابن ماجه والدارمی عن ایاس بن عبد الله فصل در
حق شفقت بر فرزندان رسول کریم فرمود من عال جاريتين حتى تبلغا جاء يوم القيمة أنا وهو
هكذا وضم أصابعه رواه مسلم عن انس یعنی هر که پرورش کند دو دختر را که بالغ شوند بیاید روز قیامت
من و او چنین و دو انگشت مبارک باهم ضم کرده و در صحیحین از عایشه مرویست که زنی نزد من آمد
و با او دو دختر بود نزد من سوال کرد نزد من چیزی نیافت مگر یک خرما پس دادم او را پس آن زن

خرما را درمیان هر دو دختر تقسیم کرده داد و خود هیچ نخورد و رفت پس چون نبی صلعم آمد و قصه عرض کردم فرمود مَنِ ابْتُلِيَ مِنْ هٰذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ یعنی هر که مبتلا شود از دختران بچیزی یعنی چند دختران داشته باشد و با ایشان نیکی کند او را پرده شوند از آتش دوزخ متفق علیه و عن عائشه مرویست که یک دهقانی نزد رسول صلعم آمد و گفت که شما بر طفلان بوسه میکنید ما بوسه نمیکنیم آن حضرت فرمود او را أَوَ أَمْلِكُ لَكَ أَنْ نَزَعَ اللّٰهُ مِنْ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ یعنی اگر خدا تعالی از دل تو رحم و شفقت دور کرده من چه میتوانم کرد فصل در حق مملوکان رسول کریم فرمود إِخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللّٰهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ فَمَنْ جَعَلَ اللّٰهُ أَخَاهُ تَحْتَ يَدَيْهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا يُكَلِّفْهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَلَّفَهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيُعِنْهُ عَلَيْهِ متفق علیه عن ابی ذر یعنی برادران شما اند کرده است ایشان را الله تعالی زیر دست شما پس هر که را حق تعالی برادر او را زیر دست او کند پس باید که بخوراند او را آنچه خود بخورد و بپوشاند او را آنچه خود بپوشد و تکلیف ندهد او را بکاری که بروی شاق باشد و اگر بکاری شاق امر کند خود هم مددگاری او کند بر آن کار فرمود إِذَا صَنَعَ لِأَحَدِكُمْ خَادِمُهُ طَعَامَهُ ثُمَّ جَاءَهُ بِهِ وَقَدْ وَلِيَ حَرَّهُ وَدُخَانَهُ فَلْيُقْعِدْهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْفُوهًا قَلِيلًا فَلْيَضَعْ فِي يَدِهِ مِنْهُ أُكْلَةً أَوْ أُكْلَتَيْنِ رواه مسلم عن ابی هریرة یعنی وقتیکه طیار کند برای یکی از شما خادم او طعامی پس بیارد آن طعام در حالتیکه گرمی آتش و دود او برداشته است پس باید که بنشاند او را همراه خود تا بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که بنهد در دست او یک لقمه یا دو لقمه و فرمود مَنْ قَذَفَ مَمْلُوكَهُ وَهُوَ بَرِيءٌ مِمَّا قَالَ جُلِدَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی هر که نسبت زنا کند مملوک خود را و او پاک باشد از آن او را حق تعالی روز قیامت حد زند و فرمود مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدًّا لَمْ يَأْتِهِ أَوْ لَطَمَهُ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ أَنْ يُعْتِقَهُ رواه مسلم عن ابن عمر یعنی هر که زند غلام خود را حد و او موجب حد نکرده است یا او را طپانچه زند پس کفاره او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود رض روایت کرده که من غلام خود را میزدم از پس پشت آوازی شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی بر تو قادر تر است از آنچه تو برین غلام قدرت داری چون پس پشت دیدم رسول صلعم خدا بود گفتم یا رسول الله این را برای خدا آزاد کردم فرمود اگر چنین نمیکردی با آتش میرسید آخر کلام رسول صلعم در مرض موت او بود الصَّلٰوةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ رواه البیهقی فی شعب الایمان عن ام سلمة و احمد و ابو داود و عن علی نحوه یعنی محافظت کنید بر نماز و بر حقوق مملوکان فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم ثَلٰثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ نَشَرَ اللّٰهُ

ستّة وادخله الجنة رفق بالضعيف وشفقة بالوالدين واحسان الى المملوك رواه
الترمذی عن جابر یعنی سه صفت هستند هر که در وی باشد حق تعالی موت او را آسان کند و او را در بهشت کند مهربانی
بر ضعیفان و شفقت بر پدر و مادر و نکوئی با مملوکان مردی از آنحضرت پرسید که یا رسول الله چند بار از
خطای خادم عفو کنیم آن حضرت دو بار جواب نداد مرتبه سوم فرمود که در هر روز هفتاد بار ببخشید رواه الترمذی عن عبدالله
بن عمر رضی الله عنه و عن عمر فرمود آن حضرت آگاه باشید خبر دهیم شما را به بدترین شما بدترین شما کسی
است که تنها خورد و بزند مملوک خود را و ندهد رفد خود را رواه رزین عن ابی هریرة معنی رفد اعانت
و مددگاری است از قریش رسم بود که هر کس قدر طاقت خود مال می آورد و پس مال بسیار جمع می شد
پس از آن طعام و کشمش خرید میکردند و در موسم حج مردم را بخورانیدند و شربت نبیذ نوشانیدند پس رفد
عبارت است از مالی که اهل شهر جمع کرده برای حاجیان دادند و مساکین نگاه دارند فصل مملوک اگر جانور
باشد بر او هم احسان ضرور است رسول کریم صلی الله علیه وسلم شتری لاغر دید فرمود اتقوا الله في هذه البهائم
المعجمة فاركبوها صالحة واتركوها صالحة رواه ابو داود عن سهل بن حنظلة یعنی بترسید از
خدا در حق این جانوران بی زبان سواری کنید بر آنها بخوبی و بگذارید آنها را بخوبی قسم پنجم قسمی
دیگر از حقوق العباد حق همسایه و هم صحبت و هم سفر است که مظهر قرب او تعالی هستند قال الله تعالى واعبدوا
الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا وبذي القربى واليتمى والمساكين والجار ذي
القربى والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبيل وما ملكت ايمانكم یعنی
عبادت کنید خدا را و شریک مکنید در عبادت او چیزی را و نکوئی کنید با پدر و مادر و نکوئی کردن
با صاحب قرابت و یتیمان و مسکینان و همسایه که قریب باشد همسایگی او یعنی خانه بخانه متصل باشد
یا آنکه همسایه باشد و قرابت در نسب یا در دین داشته باشد و همسایه که چنین باشد و یا هم صحبت در ابن
عباس و مجاهد و عکرمه گفته که صاحب بالجنب هم سفر باشد و علی رضی الله عنه و ابن مسعود گفته اند که مراد از ان
زنست و مسافران بعضی گویند که از ابن السبیل مهمان مراد است و مملوکان خود را رسول فرمود
الجيران ثلثة جار له ثلثة حقوق حق الجوار وحق القرابة وحق الاسلام وجار له حقان
حق الجوار وحق الاسلام وجار له حق واحد وهو المشرك من اهل الكتاب رواه ابو نعيم
في الحلية والحسن بن سفيان والبزاز في مسنده عن جابر یعنی همسایگان سه قسم
اند یکی همسایه است که او را سه حق است حق همسایگی و حق قرابت و حق اسلام و یک همسایه
را دو حقست حق جوار و حق اسلام و یک همسایه را یک حق است که مشرک باشد از اهل کتاب

و ابن عدی از عبد الله بن عمر نیز همچنین روایت کرده که رسول فرموده کم من جارٍ متعلّق بجاره
یا ربّ اسأل هذا لِمَ اغلق عنّی بابه ومنعنی فضله رواه الاصفهانی عن ابن عمر یعنی
بسیار همسایه باشد که بگیرد همسایه خود را و گوید ای پروردگار بپرس ازین چرا بند کرد دروازه
خود را از من و نداد مرا پس خورده خود و بخاری از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود که
همیشه جبرائیل مرا برای همسایه وصیت میکند حتی که گمان بردم که قریب است که حق تعالی او را وارث
گرداند و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول الله فرمود وقتیکه گوشت بپزی شوربا زیاده کن و همسایگان
را ضیافت کن عائشه از رسول پرسید که یا رسول الله مراد و همسایه هستند بکدامی از آنها هدیه کنم فرمود
هرکه نزدیک تر باشد دروازه او فرمود رسول من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلیحسن الی جاره
ومن کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلیکرم ضیفه ومن کان یؤمن بالله والیوم الآخر
فلیقل خیرا او لیصمت رواه البغوی وفی الصحیحین عن ابی هریرة نحوه یعنی هرکه نجد او روز
قیامت ایمان داشته باشد پس باید که همسایه خود نکوئی کند و مهمان را گرامی دارد و آنچه نیک باشد سخن
گوید یا خاموش ماند سخن بیفاید نگوید. بدان اسعدک الله تعالی که چون همسایه را که در خانه علیحده
میباشد چنین حق ثابت شده پس همصحبت و همسفر را بالطریق اولی حق است چنانچه بنابر همصحبتی رسول
کریم اصحاب خود را چه قدر مناقب فرموده برای محبت و تعظیم شان مبالغه کرده لیکن رعیت که
همنشینی و دوستی با نیکان کند و با کافران و فاسقان نکند رسول فرموده مثل الجلیس الصالح والسوء
کحامل المسک ونافخ الکیر فحامل المسک اما ان یحذیک واما ان تبتاع منه واما ان
تجد منه ریحا طیبة ونافخ الکیر اما ان یحرق ثیابک واما ان تجد منه ریحا خبیثة متفق
علیه عن ابی موسی وفی روایة یحرق بیتک او ثوبک او تجد منه ریحا خبیثة یعنی حال
همسایه نیک و همسایه بد آنچنانست که همسایه نیک مانند صاحب مشک است ترا خواهد داد یا از او
خرید خواهی کرد و رنه بتو بوی خوش خواهد رسید و همسایه بد مانند سوزاننده بوته آتش آهنگرست که خانه
تو یا پارچه تو خواهد سوخت و گرنه بوی بد از وی بتو خواهد رسید و همچنین حاکم و ابوداود و انس
از آنحضرت روایت کرده که همسایه نیک مثل عطر فروش ست اگر عطر بتو نخواهد داد بوی بتو خواهد رسید و
ابوداود و ترمذی و حاکم از ابی سعید خدری روایت کرده که فرمود آنحضرت همنشینی مکن مگر با مسلمان
کامل الایمان و باید که طعام نخورد ترا مگر متقی و بغوی از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود
که آدم بر دین و مذهب دوست خود میباشد پس ببین که با که دوستی دارد و همچنین در صحیحین

از ابن مسعود از آنحضرت مرویست که فرمود المرء مع من احب یعنی انسان در آخرت با کسی باشد که
در او دوست دارد و حق تعالی میفرماید الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین یعنی
دوستان روز قیامت باهم دشمن شوند مگر متقیان و حق تعالی میفرماید که مردم در روز قیامت بر دوستی
کردن با بدان حسرت خواهند کرد و خواهند گفت یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا ای وای کاش
کاشکی نمی گرفتیم فلان کس را دوست مولوی روم میگوید مثنوی دور شو از اختلاط یار بد -
یار بد بدتر بود از مار بد * مار بد تنها همین بر جان زند - یار بد بر جان و بر ایمان زند * صحبت صالح
ترا صالح کند - صحبت طالح ترا طالح کند * تا خندان باغ را خندان کند - صحبت نیکان
از نیکان کند * در صحیحین از ابی هریره رض مرویست که حدیث دراز از رسول کریم در حق جماعت
کنندگان که چون حق تعالی بر آنها رحمت کند و بخشاید تمام همنشینان آنهان را بخشاید فرشته از فرشتگان گوید
ای پروردگار مردیست گنهگار از آنها نیست برای کاری آمده و نزد آنها نشسته حق تعالی فرماید که او را هم
بخشیدم آن قومیست که همنشین شان بدبخت نباشد و لهذا رسول کریم از همنشین بد و همسایه بد پناه جسته
طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که رسول در دعای خود میگفت اللهم انی اعوذ بک من یوم السوء
ومن ساعة السوء ومن لیلة السوء ومن صاحب السوء ومن جار السوء فی دار المقامة
یعنی الهی پناه میبرم بتو از روز بدی و از ساعت بدی و از شب بدی یعنی از روزی و شبی و ساعتی که در آن بدی
واقع شود و از همنشین بد یعنی همنشین و همسایه که مصدر بدی باشد همسایه که اقامت در خانه همسایه باشد
برای احتراز از همسایه بد رسول کریم در بیع زمین حق شفعه واجب کرده فائده پس شفیع را باید
که اگر مشتری بگیرد دست طلب شفعه نکند و اگر بدست از خریدار راضی نشود قسم قسمی دیگر از
حقوق العباد حق عامه مومنین ست خصوصاً از اینها حق کسی ست که عاجز و ضعیف و یتیم و مسکین و بیمار
یا بیوه و حق سائل ست و حق مسافر و مهمان که وارد شود قال الله تعالی وآتی المال علی حبه ذوی القربی
والیتامی والمساکین وابن السبیل والسائلین وفی الرقاب و فرمود فآت ذا القربی
حقه والمسکین وابن السبیل یعنی نیکو کسی ست که داد مال بر دوستی خدا ذو القربی و یتیمان
و مسکینان و مسافران و سائلان را و در آزادی بندگان و فرمود حق تعالی فاما الیتیم فلا تقهر
واما السائل فلا تنهر یعنی یتیم را قهر مکن و سوال کننده را زجر مکن فرمود آنحضرت انا و
کافل الیتیم فی الجنة هکذا رواه احمد و بخاری و ابو داود و الترمذی عن سهل بن سعد یعنی من و
پرورنده یتیم در بهشت این چنین باشند و اشارت کرد بدو انگشت خود و فرمود من ضم یتیما

والیوم الآخر فلیکرم ضیفه جائزته یوم و لیلة وضیافته ثلثة ایام فما بعد ذلک
فهو صدقة متفق علیه عن ابی شریح الکعبی یعنی هر که ایمان دارد بخدا و روز قیامت پس باید که گرامی
کند مهمان خود را یک شبانروز در مهمانی او تکلیف باید نمود و مهمانی تا سه روز است و بعد از آن صدقه
است رسول فرمود للسائل حق وان جاء علی الفرس ابو داود عن الحسین و علی رضی الله عنهما
واحمد عن الحسین یعنی سوال کننده را حق می باشد اگرچه بر اسپ سوار شده آمده باشد یعنی اگرچه غنی
باشد حالانکه سوال کردن غنی را حرام است رسول فرمود للمسلم علی المسلم ست بالمعروف
یسلم علیه اذا لقیه ویجیبه اذا دعاه ویشمته اذا عطس ویعوده اذا مرض
ویتبع جنازته اذا مات ویحب له ما یحب لنفسه رواه احمد والترمذی و ابو داود و عن علی
والنسائی عن ابی هریرة رضی الله عنه یعنی مسلمان را بر مسلمان شش حق است سلام گوید مردی چون ملاقات
کند و جواب دهد چون بخواند یا قبول دعوت او کند و یرحمک الله گوید چون حمد کند بعد عطسه و بیمار پرسی
کند چون بیمار شود و همراه جنازه او رود و چون بمیرد و دوست دارد برای او آنچه دوست دارد برای نفس خود
و اصفهانی از علی از انس رضی الله علیه السلام روایت کرده که فرمود بدرستیکه اگر یکی از شما بگذارد تشمیت یعنی
یرحمک الله گفتن برادر خود را وقتیکه عطسه کند و الحمد لله گوید پس مطالبه خواهد کرد او را روز قیامت و ابو
ابو نعیم از سعد بن جبیر روایت کرد و مسلم از ابی موسی روایت کرد که آنحضرت فرمود که پرهیز کنید از نشستن
بر راهها یاران گفتند یا رسول الله از نشستن بر راهها چاره نداریم فرمود که پس حق او بکنید راه را گفتند
که حق راه چیست فرمود که چشم بستن از حرام و اذیت نرسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بمعروف و
نهی کردن از نامشروع و ابو داود از عمر درین قصه زیاده کرده و فریاد رسی کنید رنج رسیده را و راه
نمائید گم شده را قال الله تعالی واذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل
شیء حسیبا یعنی وقتیکه کسی سلام گوید بر شما پس جواب گوئید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب
السلام علیکم گوید علیکم السلام یا ضم کنید با وی ورحمة الله یا ورحمة الله وبرکاته مسلم از ابی هریرة رضی الله عنه
روایت کرده که رسول فرمود داخل بهشت نخواهید شد تا که ایمان آرید و ایمان کامل نخواهید شد تا که
دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما را بچیزیکه باهم دوست شوید افشوا السلام علیکم یعنی بسیار کنید سلام
باهم بیهقی از ابن مسعود از آنحضرت روایت کرده که کسی که اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی از آنحضرت
پرسید که از خصلتهای اسلام کدامی بهتر است فرمود بخورانی طعام و بخوانی سلام بر هر که شناسی
یا نشناسی آیة کریمه اذا حییتم اگرچه در حق سلام وارد شده لیکن بعموم لفظ دلالت میکند

بگذارید اینها نرا تاکه باهم صلح کنند رواه مسلم عن ابی هریره مرویست که آنحضرت فرموده که روز قیامت
مردی مردیرا بگیرد و گوید که تو با من چه کار داری من ترا نمی شناسم آنمرد گوید که تو مرا بر کار بد دیدی
یعنی نهی از منکر فرض ست مگر در صورتیکه داند که او قبول نخواهد کرد و رسول فرمود لا یرحم الله من
لم یرحم الناس متفق علیه عن جریر بن عبد الله یعنی رحم نمیکند خدا بر کسی که رحم نمی کند بر مردمان
و فرمود الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمٰنُ اِرْحَمُوا مَنْ فِي الْاَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ
رواه ابو داؤد والترمذی عن عبد الله بن عمر یعنی رحم کنندگان را رحمن رحم میکند رحم کنید کسانیکه در
زمین اند رحم کند بر شما حق تعالی که حکم او جاریست در آسمان و رحم کنند ملائکه آسمان و فرمود مَنْ لَمْ يَرْحَمْ
صَغِيرَنَا وَلَمْ يَعْرِفْ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا رواه البخاری فی الادب و ابو داؤد و عن ابن عمر یعنی هر که
رحم نکند بر صغیر ما و نشناسد حق بزرگ ما پس از ما نیست و فرمود رسول نیست دروغگو کسی که صلح
کناند در مردم و بگوید نیک و برساند پیغام نیک این حدیث را در صحیحین از ام کلثوم بنت عقبه روایت
کرده و احمد و ترمذی از اسماء بنت یزید روایت کرده که گفت رسول حلال نیست دروغ گفتن مگر سه
جا دروغ گفتن با زن برای راضی کردن او و دروغ در جنگ کفار یعنی بقسمیکه عذر نباشد و دروغ
گفتن برای صلح در مردم فرمود اَلَا اُخْبِرُكُمْ بِاَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّدَقَةِ
وَالصَّلٰوةِ صحابه گفتند بلی یا رسول الله فرمود اِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ
هِيَ الْحَالِقَةُ رواه ابو داود والترمذی عن ابی الدرداء و قال هذا حدیث صحیح آنحضرت
اصحاب را گفتند که خبر دهم شما را بچیزیکه افضل باشد در درجه از روزه و صدقه و نماز صحابه گفتند آری
خبر ده یا رسول الله فرمود صلح کنانیدن در میان مردم فضلست از روزه و صدقه و نماز و فساد کردن
در مردم حالقه ست و فرمود آنحضرت دَبَّ اِلَيْكُمْ دَاءُ الْاُمَمِ قَبْلَكُمُ الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ
هِيَ الْحَالِقَةُ لَا اَقُولُ تَحْلِقُ الشَّعْرَ لٰكِنْ تَحْلِقُ الدِّينَ رواه احمد والترمذی عن زبیر یعنی
آمد بسوی شما مرضی که در امتهای پیشین بود باهم حسد کردن و بغض نمودن این صفت حالقه ست یعنی
تراشنده نمیگویم که موی را می تراشد بلکه دین را میتراشد و فرمود آنحضرت پرهیز کنید از حسد بدرستیکه
حسد میخورد نیکیها را چنانچه میخورد آتش هیمه خشک را رواه ابو داود عن ابی هریره و فرمود آنحضرت اِيَّاكُمْ وَسُوْءَ
ذَاتِ الْبَيْنِ فَاِنَّهَا الْحَالِقَةُ رواه الترمذی عن ابی هریرة یعنی پرهیز کنید از بدی در میان هر دیگر
این صفت تراشنده ست دین را و فرمود آنحضرت مَنْ ضَارَّ ضَارَّ اللّٰهُ وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللّٰهُ
عَلَيْهِ رواه ابن ماجه والترمذی عن ابی صرمة یعنی هر که ضرر رساند دیگری را خدا او را ضرر رساند

در بهشت و بخد بگیرد خدا در بهشت رد ترمذی از ابی بکر صدیق روایت کرده که فرمود آنحضرت
ملعونست کسی که مومنان را ضرر رساند یا مکر کند با آنها رواه ابوداؤد از سعید بن زید از پیغمبر صلعم روایت
کرده که فرمود بدترین زیان درازی ست در آبروی مسلمانی بغیر حق و رسول فرمود من اعتذر الی
اخیه فلم یعذره او لم یقبل عذره کان علیه مثل خطیئة صاحب مکس رواه البیهقی
عن جابر یعنی هر که عذر خواهد پیش برادر خویش او عذر قبول نکند باشد بر وی گناه مانند گناه صاحب
راهداری بدان اسعدک الله تعالی حق اخوة اسلامی بالاترست از همه حقوق چرا که در حق قرابت نسبی
واسطه پدر و مادر واسطه اند و در اخوة اسلامی خدا و رسول خدا واسطه اند رسول کریم پدر همه مومنانست حق تعالی فرمود
النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم وازواجه امهاتهم و در قرائة ابی بن کعب خوانده شد
وهو اب لهم یعنی نبی اولی ست بتصرف در مومنان از نفس آنها و ازواج او مادران مومنانست
و او پدر آنهاست و لهذا حق تعالی فرمود انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم یعنی نیستند مومنان
باهم مگر برادران خود بنابر اخوة اسلامی ملائکه برای مومنان استغفار می کنند حق تعالی میفرماید
الذین یحملون العرش ومن حوله یسبحون بحمد ربهم الایة و میفرماید والملئکة
یسبحون بحمد ربهم ویستغفرون لمن فی الارض یعنی حاملان عرش و آنها که گرد اویند تسبیح
می کنند با حمد پروردگار خود و استغفار می کنند برای کسانیکه ایمان آورده اند و جای دیگر می فرماید فرشتگان تسبیح
با حمد می کنند پروردگار خود را و برای اهل زمین استغفار می کنند سوال اگر حق اخوة اسلامی از اخوة
دیگر حقوق بالاترست پس چرا اخوة نسبی را مقدم نوشتی و حق تعالی میفرماید واولوا الارحام بعضهم
اولی ببعض فی کتاب الله من المؤمنین والمهاجرین یعنی اقربای نسبی بعضی بعضی را اولی
و بهتر اند از مومنان و مهاجران و لهذا میراث در قرابت نسبی ست نه در قرابت اسلامی و رسول
فرمود الصدقة علی المسکین صدقة وهی علی ذی الرحم ثنتان صدقة
وصلة رواه احمد والترمذی والنسائی وابن ماجه عن سلیمان بن عامر جواب قرابت نسبی
وغیره که بالا مذکور شد اند همه آن اسلام شرط ست و همه جا اسلام معتبرست معنی آیت آنست که اولوا الارحام
که مسلمان اند از مومنان مهاجرین که قرابت نسبی ندارد بهتر اند و در ارث مقدم و مراد حدیث آنکه صدقه
بر مسکین مسلم اجنبی یک ثواب دارد و بر ذی رحم که مسکین باشد دو ثواب دارد لهذا اقربا اگر کافر باشند
میراث با آنها نرسد بلکه با سه مومنین رسد در بیت المال که خزانه عامه مومنین ست داخل کرده
شود اگر پدر مسلم کافر باشد گو منقطع نسب پدر و محبت لیکن محبت و دوستی با وی نباید

مردم بلکه بیزاری باید نمود قال الله تعالی ما کان للنبی والذین آمنوا ان یستغفروا للمشرکین
ولو کانوا اولی قربی من بعد ما تبین لهم انهم اصحاب الجحیم وما کان استغفار
ابراهیم لابیه الا عن موعدة وعدها ایاه فلما تبین له انه عدو لله تبرّأ
منه یعنی نباشد نبی را و مومنین را که مغفرت خواهند برای مشرکان اگرچه باشند آنها صاحب
قرابت بعد از آنکه ظاهر شود ایشان را که آنها از اهل جهنم اند و نبود استغفار ابراهیم برای پدر خود مگر
از جهت وعده که بپدر با وی کرده بود که اسلام خواهم آورد پس هرگاه که ظاهر شد بروی که این دشمن
خداست از وی بیزاری کرد و نیز در حدیث کل نسب وصهر ینقطع یوم القیمة الا
نسبی وصهری حدیث صحیح است ابن عباس و ابن عساکر از ابن عمر روایت کرده یعنی هر قرابت
نسبی و قرابت خسری و دامادی که باشد روز قیامت منقطع خواهد شد مگر قرابت نسبی و خسری من و مراد ازین
آن نیست که قرابت همه مومنان غیر من منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مراد آنست که همه مسلمانان
فرزندان من اند نسب و صهر مومنان منقطع نخواهد شد دلیل برین تفسیر آنست که حق تعالی در حق مومنان
میفرماید والذین آمنوا واتبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم وما التنا
هم من عملهم من شیء یعنی کسانیکه ایمان آوردند و اولاد شان تابع ایشان اند
در ایمان اولاد شان را در بهشت بمرتبه پدران ملحق خواهیم کرد و از عمل پدران کم نخواهیم کرد هیچ و
نیز حق تعالی میفرماید وما اموالکم ولا اولادکم بالتی تقربکم عندنا زلفی الا من
آمن وعمل صالحا یعنی اموال کافران و اولاد آنها را بما نزدیک نخواهند کرد مگر کسیکه ایمان
آورده است و عمل صالح کرده اموال و اولاد آنهان را بما نزدیک خواهند کرد و در حق کافران
فرموده فلا انساب بینهم یومئذ یعنی نسبی شان درمیان شان نخواهند ماند روز قیامت
و فرموده وتقطعت بهم الاسباب یعنی منقطع خواهد شد درمیان شان اسباب و صدق این آیات
دیگر و احادیث نبوی معلوم میشود که نسب در مومنان باقی خواهد ماند یکی دیگر را مفید خواهد شد هم
بسبب قرابت و هم بسبب دوستی و غیره کافران را هیچ فایده نخواهد کرد یوم یفر المرء من اخیه و
امه وابیه وصاحبته وبنیه الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین
یعنی روز قیامت بگریزد مرد از برادر خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آن روز باهم
دشمن خواهند شد مگر متقیان غرض ازین کلام آنست که در جمیع حقوق مذکوره هر کسیکه در اسلام
و تقوی افضل و اقوی باشد و برای محبت و صلت اولی و احق باشد والله اعلم

قسم ششم دیگر از حقوق آنست که بنده باختیار خود بر خود لازم گردانید و آنهم در حقوق الله است هم
در حقوق الناس و هر یک از آن به سه قسم است قسمی آنست که سبب وجوب آن طاعت باشد دوم آنکه
سبب وجوب آن معصیت باشد سوم آنکه سبب وجوب آن امر مباح باشد **فصل** حق الله که سبب وجوب آن طاعت است
آن نذرست بعبادت اگر نذر کند بعبادت مقصوده که از جنس آن عبادتی فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه
یا حج خواه آن نذر بلا شرط باشد یا بشرطیکه سبب شکر باشد از نعمتهائی دینی یا دنیوی چنانچه گوید که اگر بیمار من شفا یابد
قدم صد کنم یا روزه دارم ایفای اینچنین نذر فرض ست بعد وجوب شرط قال الله تعالی ولیوفوا نذورهم
یعنی باید که وفا کنند نذرهای خود را و اگر نذر بعبادتی غیر مقصوده کند چنانچه نذر کند که برای هر نماز وضوی جدید
کرده باشم ایفای آن مستحب است واجب نیست و نذر بمعصیت باطلست چنانچه گوید که اگر بیمار من شفا یابد میروم
گناه کنم رسول فرمود لا نذر فی معصیة الله یعنی نذر بمعصیت جائز نیست و نذر بامر مباح هم لغو ست
و سوای خدا نذر کردن برای پیغمبر یا برای کسی از اولیا گناه است قریب بشرک **فصل** در حق الله تعالی
که سبب آن امر مباح ست چون کفاره یمین در بعضی اوقات و قضای رمضان بعد افطار مسافر یا مریض
روزه رمضان را که سبب وجوب قضاست **فصل** در حق الله که سبب آن معصیت ست چون حدود که
بسبب زنا یا قتل یا شراب یا قذف واجب شود و کفارات که بسبب افطار روزه یا قتل خطا یا ظهار واجب شود
فصل حق العباد که سبب آن طاعت است چون ایفای وعده چیزی که ضرور ست قال الله تعالی و اوفوا
بالعهد ان العهد کان مسئولا یعنی وفا کنید عهد را بدرستیکه سوال کرده شود بدان و رسول فرمود
العدة دین رواه الطبرانی عن علی و ابن مسعود و روی ابن عساکر عن علی عنه صلعم العدة
دین ویل لمن وعد ثم اخلف ویل لمن وعد ثم اخلف ویل لمن وعد ثم اخلف
یعنی وعده که دین دارد هلاکت ست مر کسی را که وعده کند پس وفا نکند این کلمه سه بار فرمود و در صحیحین
از ابو هریره مرویست که رسول فرمود آیة المنافق ثلث زاد مسلم و ان صام و صلی و زعم انه مسلم
ثم اتفقا اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف و اذا ائتمن خان یعنی علامت منافق سه
چیزست و مسلم زیاده آورده و گفته اگرچه روزه دارد و نماز گزارد و گوید که من مسلمانم باز آنکه وقتیکه
سخن گوید دروغ گوید و چون وعده کند وفا نکند و چون امانت سپرده شود خیانت کند و از عبد الله
بن عمر مرویست که رسول فرمود چهار چیز هر که این چهار در وی باشد منافق بود چون امانت سپرده شود خیانت کند و چون
سخن گوید دروغ گوید و چون عهد کند غدر و فریب کند و آن چون نزاع کند با کسی دشنام دهد حق العباد که سبب
آن امر مباح باشد آن نیست مانند آن که بسبب بیع و شرا و اجاره و استجاره و استعاره و

استیماع واستفراض ونکاح وبیع ومانند آن لازم شود اداءی این حقوق یعنی تسلیم مبیع بعد قبض ثمن بمشتری وتسلیم بضع بزوج وتسلیم مبیع بشفیع وایفای ثمن وقرض ومهر واجرت ورد عاریت وودیعت ومانند آن از فرایض مقام مخصوص ست واز حقوق الله تعالی که احتمال مغفرت دارند اولی بالاداشت ودر تلف این حقوق وعدم اداءی دیون احتمال عدم مغفرت ست رسول فرمود یُغْفَرُ لِلشَّهِیْدِ کُلُّ ذَنْبٍ اِلَّا الدَّیْنَ رواه مسلم عن عبدالله بن عمر یعنی بخشیده میشود برای شهید هر گناه مگر دین وفرمود مَطْلُ الْغَنِیِّ ظُلْمٌ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی درنگ کردن در ادای دین بعد سیر شدن ظلم ست جنازهٔ پیش پیغمبر آمده برای نماز آنحضرت پرسید آیا بروی دین کسی هست گفتند که نی آنحضرت بروی نماز جنازه خواند دیگر جنازه آمد پرسید که بروی دین کسی هست یعنی حق بندگان گفتند هست گفت آیا گذاشته ست گفتند آری سه دینار آنحضرت بروی نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که بروی دین کسی هست گفتند آری سه دینار پرسید که چیزی مال گذاشته ست گفتند نی فرمود شما نماز بروی بخوانید ابوقتاده گفت یا رسول الله دین او بر خود گرفتم نماز بروی بخوان آنگاه نماز خواند بخاری از سلمه بن اکوع روایت کرده وبغوی در شرح السنة از ابی سعید خدری روایت کرده که جنازه آمد رسول علیه السلام پرسید که بروی دین هست گفتند آری آنحضرت پرسید که مقدار دین مال گذاشته است گفتند نی حضرت فرمود که شما خوانید علی رضی الله عنه گفت که دین او بر خود بر گرفتم آنوقت نماز خواند وگفت علی را که حقتعالی ترا از بند رها کناد چنانچه تو یار خود را از بند رها کردی مسلم از ابی قتاده روایت کرده که مردی گفت یا رسول الله در حالیکه رو بر قتال داده باشم حقتعالی گناهان من بخشد فرمود آری مگر دین این چنین جبرائیل ع بمن گفت وبرای ادای مهر حقتعالی میفرماید وَاٰتُوا النِّسَاءَ صَدُقٰتِهِنَّ نِحْلَةً یعنی بدهید زنان را مهرهای شان بخوشی دل یا از مال حلال بی شبهه یا بنابر دیانت وفرمود اَعْطُوا الْاَجِیْرَ اَجْرَهٗ قَبْلَ اَنْ یَّجِفَّ عَرَقُهٗ رواه ابن ماجه عن ابن عمر وابو یعلی عن ابی هریرة والطبرانی عن جابر والحکیم الترمذی عن انس یعنی بدهید مزدور را مزدوری او پیش از آنکه خشک شود عرق او ورسول فرمود اِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَاَتَهٗ اِلٰی فِرَاشِهٖ فَاَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ لَعَنَتْهَا الْمَلٰئِكَةُ حَتّٰی تُصْبِحَ متفق علیه عن ابی هریرة وقتیکه شوهر زن خود را بر فرش خود طلب کند واو انکار کند شوهر بغصه بخوابد فرشتگان تا صبح بر آن زن لعنت کنند قال الله تعالی اِنَّ اللّٰهَ یَاْمُرُكُمْ اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمٰنٰتِ اِلٰی اَهْلِهَا یعنی الله تعالی حکم میکند شما را که امانتها را باهل آن ادا کنید

فصل اگر شخصی اراده ادای دین داشته باشد وادا نشود بمیرد امید ست که حق تعالی در آخرت

و ایشان او را راضی سازد و او را بهشت برد رسول فرمود تَدَايَنَ بِدَيْنٍ وَفِي نَفْسِهِ وَفَاؤُهُ
ثُمَّ مَاتَ تَجَاوَزَ اللهُ عَنْهُ وَأَرْضَى غَرِيمَهُ بِمَا شَاءَ وَمَنْ تَدَايَنَ بِدَيْنٍ وَلَيْسَ فِي نَفْسِهِ وَ
فَاؤُهُ ثُمَّ مَاتَ اقْتَصَّ اللهُ تَعَالَى لِغَرِيمِهِ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رواه الحاکم عن ابی امامة
یعنی هر که معامله کند و دین بر وی لازم شود و اراده داد ای آن دارد و بمیرد حق تعالی او را بخشد
و ایشان او را راضی سازد و هر که معامله کند و دین دار شود و اراده اداء آن نداشته باشد عوض آن حق
غریم او را در قیامت و طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند این عبارت
مَنْ أَدَّى كَذَا وَهُوَ يَنْوِي أَنْ لَا يُؤَدِّيَهُ فَمَاتَ فَقَالَ اللهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَظَنَنْتَ أَنِّي لَا آخُذُ بِحَقِّ
عَبْدِي فَيُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيُجْعَلُ فِي حَسَنَاتِ الْآخَرِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ الْآخَرِ
فَيُجْعَلُ عَلَيْهِ یعنی هر که بمیرد و اراده اداء دین نداشته باشد گوید حق تعالی که من بنده
خود را از این میگیرم پس از حسنات مدیون بدائن داده شود و اگر حسنات نباشد گناهان این بر مدیون
نهاده شود و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود دو قسم اند هر که بمیرد و نیت اداء دین داشته باشد
پس من ولی او هستم یعنی او را بخشایم و از حق تعویض او دهانم و هر که بمیرد و نیت اداء این ندارد
گرفته شود از حسنات او و در آن روز درهم و دینار نیست و چنین از ابن عمر از آنحضرت مرویست
فصل در حقوق العباد که سبب آن معصیت است چون قتل نفس یا قطع عضو یا گرفتن مال کسی بغصب یا سرقه
یا خیانت یا آبروی کسی بردن یا دشنام دادن آن یا غیبت اداء این حق رد مظلمه و استرضای مظلوم
است بدون استرضای مظلوم عفو و مغفرت در تلاف این چنین حقوق نتواند شد الا ما شاء الله رسول فرمود
الدَّوَاوِينُ ثَلَاثَةٌ فَدِيوَانٌ لَا يَغْفِرُ اللهُ بِهِ شَيْئًا وَدِيوَانٌ لَا يَتْرُكُ اللهُ مِنْهُ شَيْئًا وَدِيوَانٌ
لَا يَعْبَأُ اللهُ بِهِ فَأَمَّا الدِّيوَانُ الَّذِي لَا يَغْفِرُ اللهُ فَالشِّرْكُ وَأَمَّا الدِّيوَانُ الَّذِي لَا يَعْبَأُ اللهُ
شَيْئًا فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِ مِنْ صَوْمٍ تَرَكَهُ أَوْ صَلٰوةٍ
تَرَكَهَا فَإِنَّ اللهَ يَغْفِرُ ذٰلِكَ وَيَتَجَاوَزُ إِنْ شَاءَ وَأَمَّا الدِّيوَانُ الَّذِي
لَا يَتْرُكُ اللهُ مِنْهُ شَيْئًا فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا الْقِصَاصُ لَا مَحَالَةَ رواه الحاکم
و احمد عن عائشه یعنی نامهای اعمال سه گونه اند یکی آنست که حق هیچ نمی شمارد او را و دیگری
آنست که آن را هیچ نمی گذارد و دیگر آنست که آن را هرگز نمی بخشد آن نامه که آن را نمی بخشد شرک
است و آن نامه که آن را هیچ نمی شمارد آن ظلم بنده است بر نفس خود بترک حقوق حق تعالی از ترک
روزه و نماز و مانند آن پس حق تعالی بخشد این هرگز بخواهد و آن نامه که از آن هیچ نمیگذارد

آن قدر بنده کشته است کسی بر دیگری در تنعوض و قصاص خواهد شد البته و طبرانی و مانند آن از سلمان و
بزاز همچنین از انس روایت کرده اند و فرموده آنحضرت صلعم که باشد نزد او مظلمه برای برادر
خود باید که در دنیا از وی بحل بخشاید که در روز قیامت نه دینار هست و نه درهم اگر ظالم را عمل صالح باشد
بقدر ظلم عمل او گرفته بمظلوم داده شود و اگر عمل صالح نباشد گناهان مظلوم از وی برداشته
ظالم نهاده شود رواه البخاری عن ابی هریرة و مسلم و ترمذی از ابی هریرة روایت میکنند که رسول
از یاران پرسید که مفلس کدام کس باشد یاران گفتند مفلس کسی باشد که مال و متاع نداشته
باشد آنحضرت فرمود که مفلس از امت من کسی باشد که در روز قیامت حاضر شود با نماز و روزه
و زکوة لیکن یکی را دشنام داده باشد دیگری را تهمت زنا کرده باشد کسی را مال خورده باشد و کسی را
خون ریخته باشد و کسی را زده باشد پس نشانیده شود و داد او از وی عوض گرفته شود یکی از حسنات او
بگیرد پس چون حسنات او هیچ نماند و تمام حقوق که بر ذمه او بوده باشد ادا نشده باشد گرفته شود گناهان
مظلومان و نهاده شود بر وی پس او را در دوزخ انداخته شود و رسول فرمود مَا مِنْ ضَارِبٍ يَضْرِبُ
عَبْدَهُ اِلَّا اُقِيْدَ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رواه البزار و الطبرانی عن عمار و عن ابی هریرة نحوه یعنی هیچ
مرد نباشد که زده باشد غلام خود را مگر آنکه عوض گرفته شود از وی روز قیامت و همچنین حاکم از سلمان
و سعد ابن مسعود و غیرهم روایت کرده و همچنین طبرانی از ابی امامه و ابی برده و انس روایت
کرده نهاد از ابراهیم نخعی روایت کرده که گفته بودند جماعه صحابه و تابعین میگفتند که اگر
مردی دیگری را گفت ای سگ یا خوک یا خر حق تعالی روز قیامت خواهد پرسید که تو دیده بودی که
من این را سگ یا خوک یا خر آفریده بودم فائده ظلم چنانچه بر مسلم حرام است بر ذمی هم حرام است که
عهد اهل ذمه عهد رسول است و عهد شکنی رسول لازم می آید رسول فرمود مَنْ قَذَفَ ذِمِّيًّا حُدَّ لَهُ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِسِيَاطٍ مِنَ النَّارِ رواه الطبرانی عن واثلة بن الاسقع یعنی هر که تهمت زنا کند بر ذمی او
را روز قیامت حد زده خواهد شد بدره از آتش و فرمود اَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا اَوِ انْتَقَصَهُ
مِنْ حَقِّهِ اَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ اَوْ اَخَذَ شَيْئًا بِغَيْرِ طِيْبِ نَفْسِهِ فَاَنَا حَجِيْجُهُ يَوْمَ
الْقِيٰمَةِ یعنی آگاه باشید هر که ظلم کند ذمی را یا کم کند از حق او یا تکلیف دهد او را زیاده از طاقت
او یا گرفت از وی چیزی بی رضامندی او پس من خصومت کننده باشم با وی روز قیامت فائده
باید دانست که هر گناهی که باشد سوای شرک جزای آن متناهی است اگرچه کثیر و شدید باشد پس مقتضای
این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصا مظالم هرگز مهمل نگذاشته شود و قصاص آن ضرورت

مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داده شود تا وقتیکه هیچ از حسنات شان نماند پس اگر مظالم باقیماند گناهان مظلومان بر ظالمان نهاده و آنها را داخل دوزخ کرده شود پس هر گاه که سزای سیئات منتهی شود اگرچه بعد مکث طویل مومنان ظالمان از مظالم پاک شوند آنزمان داخل بهشت کرده شود بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود است در بهشت اینچنین امام بیهقی گفته لیکن از شامت مظالم گاه باشد که ایمان سلب شود و نعوذ بالله منها حق تو از صدور مظالم در پناه خود دار در شعر مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست یعنی در شریعت محمدی باشد مظالم هیچ گناه نیست. فایده اگر بر ذمه شخصی مظالم بود و از آن توبه کند از ظلم اجتناب کند و رد مظالم و استرضای مظلومان از مقدور او خارج باشد در خصوص ممکن است که حقتعالی خصمان او را در قیامت راضی سازد در رسول فرمود رَجُلَانِ مِنْ اُمَّتِیْ جَثَیَا بَیْنَ یَدَیْ رَبِّ الْعِزَّۃِ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی فَقَالَ اَحَدُهُمَا یَا رَبِّ خُذْ لِیْ مَظْلَمَتِیْ مِنْ اَخِیْ فَقَالَ اللّٰهُ اَعْطِ اَخَاکَ مَظْلَمَتَهٗ فَقَالَ یَا رَبِّ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِیْ شَیْءٌ فَقَالَ اللّٰهُ کَیْفَ تَصْنَعُ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِهٖ شَیْءٌ فَقَالَ یَا رَبِّ یَحْمِلْ مِنْ اَوْزَارِیْ وَفَاضَتْ عَیْنَا رَسُوْلِ اللّٰهِ صلعم بِالْبُکَاءِ وَقَالَ اِنَّ ذٰلِکَ یَوْمٌ عَظِیْمٌ یَوْمَ یَحْتَاجُ النَّاسُ اِلٰی اَنْ یُحْمَلَ عَنْهُمْ اَوْزَارُهُمْ فَقَالَ اللّٰهُ اِرْفَعْ رَاْسَکَ فَانْظُرْ فِی الْجِنَانِ فَرَفَعَ رَاْسَهٗ فَقَالَ یَا رَبِّ اَرٰی مَدَائِنَ مِنْ فِضَّۃٍ مُرْتَفِعَۃٍ وَمِنْ ذَهَبٍ مُکَلَّلَۃٍ بِاللُّؤْلُؤِ لِاَیِّ نَبِیٍّ اَوْ لِاَیِّ صِدِّیْقٍ اَوْ لِاَیِّ شَهِیْدٍ هٰذَا فَقَالَ لِمَنْ اَعْطَی الثَّمَنَ قَالَ رَبِّ وَمَنْ یَمْلِکُ ذٰلِکَ قَالَ اَنْتَ تَمْلِکُهٗ قَالَ بِمَ قَالَ بِعَفْوِکَ عَنْ اَخِیْکَ قَالَ رَبِّ اِنِّیْ عَفَوْتُ عَنْهُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی خُذْ بِیَدِ اَخِیْکَ فَاَدْخِلْهُ الْجَنَّۃَ ثُمَّ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صلعم اِتَّقُوا اللّٰهَ وَاَصْلِحُوْا ذَاتَ بَیْنِکُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ یُصْلِحُ بَیْنَ الْمُؤْمِنِیْنَ یَوْمَ الْقِیٰمَۃِ رواه الحاکم والبیهقی وسعید بن منصور عن انس یعنی دو مرد از امت من دو زانو نشینند پیش رب العزت پس یکی بگوید ای پروردگار مظلمه مرا از برادر من بگیر حقتعالی او را بفرماید که بده مظلمه این برادر خود را او بگوید ای پروردگار هیچ از حسنات باقی نمانده است حقتعالی مظلوم را بفرماید چه کنی از حسنات او هیچ باقی نمانده است او گوید ای پروردگار گناهان من از من بردارد و ازین سخن چشم مبارک آنحضرت صلعم اشکبار گشت و فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد حق تعالی

مظلوم را بفرماید که سر بر دارد و ببین در بهشت پس سر بر دارد و بگوید که الهی شهرها می بینم از نقره تمامی
مرتبه ها از زر مرصع بمروارید برای کدام نبی یا کدام صدیق یا کدام شهید خواهد بود و این شهر حق تعالی
فرماید که این برای کسیست که بدهد قیمت بگوید ای پروردگار کیست مالک اینقدر حق تعالی فرماید
که تو مالک قیمت آن هستی بگوید از چه چیز فرماید که بخشیدن حق خود برادر خود را او گوید یارب
بخشیدم از وحق تعالی فرماید که بگیر دست این برادر و داخل بهشت کن پس رسول فرمود ای
مردم پرهیز کنید از عذاب خدا و نیکوکاری با خود ها کنید که حق تعالی در روز قیامت در مسلمانان
آشتی خواهد کنانید یعنی سرکرا خواهد و رسول فرمود روز قیامت چون بهشتیان داخل بهشت شوند
و دوزخیان یعنی کافران داخل دوزخ یک آواز دهنده آواز دهد که ای اهل جمیع مظالم با بخشید
و ثواب شما بر خدا است رواه الطبرانی عن انس و عن ام هانی نحوه امام محمد غزالی گفته که این احادیث
محمول اند بر کسیکه از مظالم توبه کند و آشنید و ترک بد و آنها اد نماید باشد که حقتعالی در شان
اهل مای فرماید انه کان للاوابین غفورا قرطبی گفته که این تاویل خوبست از حکم عام
نیست اگر عام بودی کسی داخل دوزخ نشدی سوال اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد بر نفس یا مال
یا آبرو مظلوم را انتقام آن جایز باشد یا نه جواب انتقام بمثل مظلمه او جایز است و زیاده از ان
حرام است و عدم انتقام افضل و اولی قال الله تعالی فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی
علیکم یعنی عوض کنید بر وی مانند آنچه او ظلم کرده است بر شما این امر برای اباحت است و قال
الله تعالی وان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خیر
للصابرین واصبر وما صبرک الا بالله یعنی اگر عوض کنید پس عوض کنید مانند آنچه بر شما کرده است
و اگر صبر کنید پس صبر بهتر است برای صبر کنندگان و صبر کن ای محمد و نباشد صبر تو مگر بتوفیق پروردگار
او سبحانه قال الله تعالی وجزاء سیئة سیئة مثلها فمن عفا واصلح فاجره علی الله انه
لا یحب الظالمین ولمن انتصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل انما السبیل
علی الذین یظلمون الناس ویبغون فی الارض بغیر الحق اولئک لهم عذاب
الیم ولمن صبر وغفر ان ذلک لمن عزم الامور یعنی جزای بدی آنست که مثل آن
بدی کرده شود پس هر که عوض نکند و بخشد و آشتی جوید پس ثواب او بر خداست بدرستیکه حق تعالی
ظالمان را دوست نمیدارد یعنی دشمن میدارد و هر که عوض گیرد بعد مظلومی خود پس نیست بر وی هیچ
مواخذه در دنیا و آخرت بر کسیکه ظلم کند بر مردم و فساد کند در زمین ناحق آنها را عذاب الیم باشد

ودیگری مغلوب شیطان خود بداند که بهترین چیزها است رسول فرمود المستبان ما قالا فعلی
البادی منهما ما لم یعتد المظلوم رواه احمد ومسلم وابوداود والترمذی عن ابی هریرة یعنی
دو کس باهم بدگوئی کنند گناه هر دو بدگوئی بر کسی ست که اول گفته تا که ثانی زیاده نکند از آنچه اول
گفته است و فرمود آنحضرت المستبان شیطانان یتهاتران ویتکاذبان رواه احمد
والبخاری فی الادب بسند صحیح عن عیاض بن حمار یعنی دو کس که باهم بدگوئی میکنند هر دو شیطان
اند باهم کلام باطل میگویند و باهم دروغ گوئی میکنند وقال الله تعالی ولا تستوی الحسنة
ولا السیئة ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک وبینه عداوة کانه ولی حمیم وما
یلقاها الا الذین صبروا وما یلقاها الا ذو حظ عظیم واما ینزغنک من الشیطن
نزغ فاستعذ بالله انه هو السمیع العلیم یعنی نیکی وبدی یکسان نیست پس هر گاه نیکی تواند
کرد بدی چرا اختیار کند بدی بنیکی دفع کند یعنی اگر کسی با تو بدی کند تو عوض آن نیکی کن از این
عمل بدی او برطرف شود اگر چنین کنی پس کسیکه با تو دشمنی دارد دوست یکرنگ قریب خواهد شد
و اخذ نخواهد کرد این صفت را مگر صابران و نخواهد کرد این صفت را مگر کسیکه نزد خدا نصیب
کامل دارد و اگر وسوسه بخاطر تو رسد از طرف شیطان که باز دارد از این عمل پس پناه جو از خدا
بدرستیکه خدا سمیع و علیم است ترا پناه دهد مردی گفت یا رسول الله مرا چند غلام اند که مرا دروغ گو میگویند
و خیانت میکنند و نافرمانی میکنند و من آنها را میزنم و دشنام میدهم پس چگونه باشد مرا از آنها
آنحضرت فرمود که خیانت و تکذیب و عصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهد شد پس اگر
عقاب تو از عصیان آنها کم خواهد بود ترا فضیلت خواهد بود و اگر عقاب تو بقدر گناه آنها خواهد بود برابر
خواهند شد و اگر عقاب تو از گناهان شان زیاده خواهد بود بقدر زیادتی از تو عوض گرفته خواهد
شد آن مرد گریستن و باواز نالکردن گرفت رسول فرمود آیا قرآن نخوانده ونضع الموازین القسط
لیوم القیمة فلا تظلم نفس شیئا وان کان مثقال حبة من خردل اتینا بها وکفی
بنا حاسبین یعنی خواهیم نهاد ترازوهای عدل روز قیامت پس ظلم کرده نخواهد شد هیچکس چیزی
را اگر خواهد بود ظلم بوزن دانه خردل خواهیم آورد و بس آئیم حساب کننده آن مرد گفت یا رسول الله
بهتر چیزی نمی یابم از جدا کردن آنها بدرستیکه من ترا شاهد میکنم که آنها همه آزاد کردم رواه احمد و
ترمذی عن عائشة رض شعر بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اسا
تکمیل در حسن خلق و نرمی و نیز صفت دیگر حق تعالی در حق رسول کریم فرموده وانک لعلی خلق عظیم

درستیکه تو بر خلق عظیم هستی و فرموده فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ یعنی بسبب رحمت خدا که نرم شدی تو برای مردم یعنی کریم و رحیم شدی و اگر میبودی بدخلق سخت دل هر آئینه جدا میشدند از گرد تو پس ببخش تقصیرات شان را و دعائی مغفرت کن برای آنها اگر تقصیری در حق تو کنند و در هر کار با آنها مشورت کن و حق تعالی در حق خاصان خود میگوید وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا یعنی بندگان خاص آنانکه راه میروند بر زمین بنرمی و اگر جاهلان با آنها خطاب بجهل میکنند آنها در جواب آن کلامی گویند که موجب سلامت باشد از ایذا و گناه رسول فرمود هر که از رفق و نرمی محروم شد از هر چیز محروم شد رواه مسلم عن جریر فرمود محبوب ترین شما نزد من کسانند که اخلاق نیک دارند رواه البخاری عن عبد الله بن عمرو در صحیحین است بهترین شما نیک خلق ترشماست و رسول فرمود إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ قَائِمِ اللَّيْلِ وَصَائِمِ النَّهَارِ رواه ابو داود یعنی بتحقیق مومن در مییابد به نیک خوی خود مرتبه کسی که تمام شب نماز گزارد و روزانه روزه دارد و فرمود بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ حُسْنَ الْأَخْلَاقِ رواه مالک فی الموطا و رواه احمد عن ابی هریرة یعنی مبعوث کرده شدم تا که تمام کنم حسن اخلاق را و رسول فرمود مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ رواه ابو نعیم فی الحلیة عن ابی هریرة در حدیث قدسی الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعَظَمَةُ إِزَارِي فَمَنْ نَازَعَنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا قَذَفْتُهُ فِي النَّارِ رواه احمد ابو داود و ابن ماجه عن ابی هریرة و ابن ماجه عن ابن عباس و روی الحاکم عن ابی هریرة الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي فَمَنْ نَازَعَنِي فِي رِدَائِي قَصَمْتُهُ یعنی حق تعالی میفرماید کبریا و تکبر چادر منست و عظمت و بزرگی ازار منست هر که کشاکشی کند با من در چیزی ازین هر دو میندازم او را در دوزخ و در روایتی هر که چادر من کشد هلاک کنم او را
شعر
دادیم ترا ز گنج مقصود نشان ـ گر ما نرسیدیم تو شاید برسی + رَزَقَنَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنَ الْخِصَالِ مَا يَرْضَاهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَعَالَى أَوَّلًا وَآخِرًا وَالصَّلَوٰةُ وَالسَّلَامُ وَالْبَرَكَةُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَمُتَّبِعِ سُنَّتِهِ بِعَوْنِهِ تَعَالَىٰ

در مطبع محمدی واقع لاهور بفرمایش تاجران نامی فقیر الله عبد العزیز
و ابن احمد جامی رزقهم الله رزقا وسیعا مطبوع گردید